Archive of SID

اولویت‌سنجی شاخص‌های عدالت اسلامی – ایرانی در تحقق آمایش سرزمین و توسعه‌ی متعادل در ایران

میرنجف موسوی[1]

مهدی مدیری[2]

تاریخ دریافت مقاله: ۹٤/۱/۲۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۹٤/٦/۲۹

****

چکیده

برنامه‌های توسعه مهم‌ترین ساز وکار حکومت برای تحقق عدالت در جامعه است. به همین دلیل توجه اساسی به عدالت اکولوژیکی، اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی در برنامه‌نویسی و تنظیم آن در چارچوب عدالت اسلامی به ساخت‌یابی عادلانهٔ جامعه و تعالی و پیشرفت متوازن در همهٔ ابعاد، عرصه‌ها، قشرها و مناطق مختلف جغرافیایی کشور منجر می‌شود. در این راستا، برنامه‌های آمایش سرزمین چارچوب مهمی در پیشرفت متوازن جامعه در تمام ابعاد و ساماندهی نابرابری‌های منطقه‌ای به شمار می‌روند. هدف از این پژوهش، اولویت‌سنجی شاخص‌های عدالت اسلامی ایرانی در تحقق آمایش سرزمین و توسعهٔ متعادل در ایران است. نوع پژوهش بنیادی ـ کاربردی و روش به کار رفته توصیفی ـ تحلیلی است. شاخص‌های بررسی عدالت، ۳۵ شاخص عدالت اکولوژیکی، کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی است. جامعهٔ آماری ۳۱ استان کشور است. ابزار گردآوری اطلاعات، مطالعهٔ اسناد و مدارک و داده‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن در شاخص‌های مختلف می‌باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل‌های تحلیل شبکه و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. نتایج حاصل از مدل تحلیل شبکه نشان می‌دهد، شاخص‌های عدالت اقتصادی با مقدار ۰/۲۸۲ بیشترین نقش را در نابرابری‌های منطقه‌ای در بین استان‌های کشور دارد. چرا که در اغلب شاخص‌های مورد مطالعه تفاوت‌هایی به لحاظ چگونگی توزیع ثروت و درآمد، گسترش فقر، سرانهٔ درآمد خانوارها وجود دارد که منجر به عدم تحقق عدالت در جامعه می‌شود. همچنین یافته‌های تحلیلی مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان می‌دهد، مؤلفه‌های عدالت اقتصادی در مناطق مختلف کشور بسیار متفاوت می‌باشد. بر اساس برآورد ضرایب استاندارد شدهٔ مدل ساختاری تحقیق و سطح معناداری (۰/۰۷۹ =) است که بیانگر تأثیرات عوامل اقتصادی بر روی نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور با ضریب مستقیم و مثبت ۰/۸٦ (۹/۵۱) است. می‌توان گفت این نابرابری‌ها ناشی از عدم رعایت تعادل و توازن در کشور است و عدم توازن در منابع، فعالیت‌ها، امکانات، جمعیت، خدمات و یا انباشتگی در برخی نقاط جمعیتی از جمله کلانشهرها قابل مشاهده است که با عدالت و توزیع عادلانهٔ خدمات و امکانات در تناقض می‌باشد و منجر به زیر سؤال رفتن عدالت اجتماعی می‌گردد. در نهایت راهبردهایی جهت ساماندهی نابرابری‌های منطقه‌ای در چارچوب عدالت اسلامی و تحقق عدالت سرزمینی ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: عدالت اسلامی، آمایش سرزمین، توسعه متعادل، عدالت اجتماعی، ایران

****

۱- دانشیار، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه ارومیه، mousavi424@yahoo.com

۲- دانشیار برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه صنعتی مالک اشتر mmodiri@ut.ac.ir

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

«عدالت اجتماعی به طور کلی ایجاد یک جامعهٔ عادلانه یا نهادی تعریف می‌شود که متکی بـر اصول برابری و همبستگی و درک ارزش‌های حقوق بشر تلاش می‌کند و شأن و منزلت هر انسان را به رسمیت می‌شناسد» *(لطفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۰)*. برنامه‌های توسعه مهم‌ترین ساز و کار حکومت برای تحقق عدالت اجتماعی در جامعه است. به همین دلیل، توجه اساسی به عدالت اجتماعی در برنامه‌نویسی و تنظیم آن به ساخت‌یابی عادلانهٔ جامعه و تعالی و پیشرفت متوازن در همهٔ ابعاد، عرصه‌ها، قشرها و مناطق مختلف جغرافیایی کشور منجر می‌شود *(رضایی، ۱۳۹۱: ۳٤)*. آمایش و ساماندهی سرزمین و فضای جغرافیایی در ایران براساس نظریه‌های سرمایه‌داری طراحی شده است *(پایلی یزدی، ۱۳۸۳: ۱)*. به طوری که حاکمیت نظریه‌های اقتصاد نئوکلاسیک و قطب رشد بر مبانی نظری نظام برنامه‌ریزی به وجود بی‌عدالتی‌های منطقه‌ای و درون منطقه‌ای دامن زده است. زیرا اقتصاد نئوکلاسیک رشد اقتصادی را به جای توزیع متعادل درآمد و رفع نابرابری‌های شدید جامعه ترجیح می‌دهد و نابرابری‌های درآمدی را لازمه رشد اقتصادی کشورها فرض می‌کند *(موسوی، ۱۳۹۱: ۱۲۱)*. به طور کلی این تئوری در مکتب نئوکلاسیک متوجه تعیین قیمت عوامل و تقسیم درآمد ملی تحت عناوین پاداش بین عوامل به زمین، کار و سرمایه است و اهمیت اساسی آن در مبحث تخصیص کارا آشکار می‌شود. برای اینکه استفادهٔ منابع بصورت کارآ صورت پذیرد، عوامل تولید باید به گونه‌ای در تولید بکار گرفته شوند که ارزش تولید نهایی آنها در تمام موارد استفاده با هم برابر باشد و این یک شرط تخصیص کارآی منابع است و ربطی به اینکه آیا این توزیع عادلانه است یا خیر ندارد. هرچند، نتیجهٔ این تئوری در بازار آزاد، آن است که امور به ترتیبی سامان یابند که بالاترین عدهٔ معامله کنندگان، بالاترین بهره‌مندی ممکن را نصیب خود سازند، اما این بهره‌مندی متضمن معنای عدالت در توزیع نیست و نسبت به اینکه شرایط و اوضاع موجود قبل از مبادلات چگونه باید باشد و آثار و نتایج آن چیست، بی‌تفاوت می‌باشد *(باقری، ۱۳۸۸: ٤۸)*. بنابراین، توسعهٔ ناهمگون اقتصادی در پهنای جغرافیایی کشور باعث بروز نابرابری‌های اجتماعی شده و به تبع آن شاخص‌های رفاه از یک نقطه به نقطه‌ای دیگر تغییر پیدا می‌کند. وجود نابرابری‌های گسترده بین مناطق شهری و روستایی و بین مناطق مختلف جغرافیایی یک کشور از لحاظ شرایط اقتصادی و فرهنگی نابسامانی‌هایی را به همراه دارد، که نتیجهٔ آن روند رو به گسترش شهرنشینی، گسترش فساد و جرم و جنایت در مناطق کمتر توسعه‌یافته است. هرچند، تعریف دقیقی از رفاه اجتماعی در دست نیست، ولی می‌توان گفت در گذشته این شاخص دربردارندهٔ حداقل نیازهای اساسی جوامع بوده و با گذر زمان و پیشرفت جوامع، دامنهٔ آن گسترش پیدا کرده است. هرچند هم اکنون نیز ماهیت این شاخص تغییر نکرده است، ولی می‌توان آن را به صورت مقایسه‌ای درآورد یعنی طرز برآوردن نیازها در مناطق مختلف یک کشور می‌بایست به یک اندازه و با یک کیفیت و به عبارتی عادلانه باشد *(خواجویی، ۱۳۸۹: ۱۳)*. در همین راستا «تعدادی از نظریه‌های توسعهٔ منطقه‌ای با دیدگاه فضایی، با اصالت دادن به نظام استقرار سکونتگاه‌ها در فرآیند توسعه، از دو حد تمرکزگرایی (مانند قطب رشد) و تمرکززدایی (مانند منظومهٔ کشت شهری) میانه‌ای را برگزیده و تجمیع غیرمتمرکز یا تمرکززدایی با تجمیع را پیشنهاد کرده‌اند. این نظریه‌ها در حقیقت راه حلی اصلاح‌طلبانه برای کاستی‌ها و نارسایی‌های توسعهٔ فضایی متداول در راستای تحقق عدالت اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، فرهنگی و اکولوژیکی در چارچوب عدالت اسلامی مطرح کرده‌اند، که همانا قطبی شدن و نابرابری‌های منطقه‌ای را ایجاد کرده است» *(پورمحمدی و زالی، ۱۳۸۸: ۳٤)*. با تمام این تفاسیر، «نابرابری‌های بین منطقه‌ای تنها جهت انعکاس نابرابری‌های درآمدی تصور نمی‌شود؛ بلکه در رشد جمعیت، تهیهٔ خدمات، تولید اشتغال، آموزش و ثروت به کار می‌رود. در بیشتر کشورها، بعضی نواحی وجود دارند که به خوبی توسعه یافته‌اند، در صورتی که دیگر نواحی عقب مانده یا

www.SID.ir

Archive of SID

عقب نگه داشته شده هستند. چنین نابرابری‌هایی در توسعهٔ منطقه‌ای به نابرابری‌های بین منطقه‌ای نسبت داده می‌شود. نابرابری‌های منطقه‌ای به طور متداول با دو عامل ـ درآمد و اشتغال ـ مرتبط می‌شود ولی در این ارتباط مقیاس‌های دیگری چون تولید ناخالص منطقه‌ای، کار و سرمایه‌گذاری، رشد جمعیت، شرایط مسکن و سطح میانگین آموزش نیز مهم می‌باشند» *(جمالی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۳٤)*. به همین جهت مناطق کشور به طور نامتعادل توسعه یافته و این امر یکی از دلایل بی‌عدالتی‌های گوناگون در ایران است. در این راستا، پژوهش حاضر به بررسی وضعیت عدالت اکولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فرهنگی در کشور می‌پردازد تا با بررسی میزان تأثیرگذاری هر یک از عوامل فوق در ایجاد نابرابری‌های منطقه‌ای، اقدام به تدوین استراتژی‌هایی در راستای توزیع عادلانهٔ امکانات و همچنین دستیابی به عدالت و برابری در زمینه‌های فوق بر اساس عدالت اسلامی نماید.

مبانی نظری تحقیق

«در جهان امروز، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی به عنوان پدیده‌ای فراگیر و رو به گسترش قابل مشاهده است» *(توکلی‌نیا و شالی، ۱۳۹۱: ۲)*. در این راستا، در نظریهٔ وابستگی به تأثیرات حاصل از وابستگی اقتصادی کشورهای جهان سوم به نظام جهانی اشاره می‌شود، که تأثیرات ناشی از آن نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی میان نواحی داخلی را سبب می‌گردد که با تمرکز منابع و امکانات در مادرشهرهای بزرگ و تک شهرهای مسلط ناحیه‌ای، شکاف میان ثروت و فقر را عمیق‌تر کرده و روند کلی توسعه را آهسته نموده است *(حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۳: ۱۰۳)*. بنابراین «نابرابری اجتماعی اشاره به شرایطی دارد که افراد دسترسی نابرابری به منابع ارزشمند، خدمات و موقعیت‌ها در جامعه دارند. چنین تلقی از نابرابری می‌تواند برحسب چگونگی ارزیابی و رتبه‌بندی افراد و گروه‌ها توسط دیگران، لحاظ شود، اما مهم‌ترین وجه آن این است که نابرابری اجتماعی مرتبط با موقعیت‌های متفاوت در درون یک ساختار اجتماعی است. لذا می‌توان انتظار داشت، نابرابری رابطهٔ مستقیمی با توسعهٔ اقتصادی داشته باشد، زیرا توسعه، پیامد انباشت ثروت (مازاد تولید) و حاصل افزایش ظرفیت‌های استفاده از منابع به مدد تکنولوژی بوده و نحوهٔ توزیع مازاد مسئلهٔ دسترسی به قدرت را مطرح می‌سازد. بنابراین سه مفهوم توسعهٔ اقتصادی، سیاسی و نابرابری‌های اجتماعی مفاهیمی کاملاً مرتبط و درهم‌تنیده تلقی می‌شوند که تأثیرات متقابلی بر یکدیگر دارند» *(مظلوم خراسانی و عظیمی هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۱)*.

در این ارتباط، دیوید هاروی عدالت اجتماعی و فضایی در شهرها را تخصیص عادلانهٔ منابع و امکانات شهری می‌داند که بتواند به گونه‌ای هدایت شود که افراد با حداقل شکاف و اعتراض نسبت به حقوق خود مواجه باشند و نیازهای جمعیتی آن در ابعاد مختلف برآورده گردد *(ضرابی و موسوی، ۱۳۸۹: ۳۰)*. چرا که وجود بی عدالتی‌های جغرافیایی و توسعهٔ ناموزون بخش‌های جغرافیایی، تأثیر سوئی بر توسعهٔ مناطق دارد *(ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱۷)*. بنابراین با توجه به تأثیرات منفی توزیع ناعادلانه و نابرابر امکانات و خدمات در شکل‌گیری بی‌عدالتی‌های اکولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و فرهنگی، توجه به اصول اساسی عدالت اسلامی در هر یک از شاخص‌ها و مؤلفه‌های فوق می‌تواند زمینه‌ساز توسعهٔ متوازن و توزیع عادلانه و برابر امکانات و خدمات را در تمام مناطق فراهم نماید. در این رابطه، از مهم‌ترین مسائلی که دین اسلام روی آن تکیه دارد، مسئلهٔ حفظ حقوق و اموال مردم و به طور کلی اجرای عدالت اجتماعی است. عدالت‌ورزی در همهٔ شئون حکومت، حتی عدالت در توزیع امکانات و فرصت‌ها. اجرای عدالت نه تنها از وظایف اخلاقی حاکمان است؛ بلکه یکی از راه‌های نفوذ در دل و جان مردم نیز به شمار می‌رود. احادیث مختلف از امامان معصوم و مصلحان اجتماعی وجود دارد که همواره بر مفهوم عدالت اجتماعی تأکید فراوان کرده‌اند *(موسوی، ۱۳۹۱: ۱۷۹)*. اسلام مکتب عدل واعتدال است و امت اسلامی، امت میانه می‌باشد؛ قرآن کریم و پیشوایان معصوم اسلام به حفظ حقوق اجتماعی و مساوی بودن تمامی مردم در برابر قانون و

www.SID.ir

Archive of SID

نفی تبعیض و استثمار فرمان داده‌اند *(هوشمند و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۷)*. در دین مبین اسلام عدالت، یکی از مفاهیم کلیدی و پراهمیت است. در قرآن کریم هدف از رسالت پیامبران الهی همان برپایی قسط و عدل بیان شده است، آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: «لَقد اَرسلْنا رُسُلنا بالبیّناتِ و أنزلْنا مَعهُم الکتاب و الْمیزان لِیَقوم النّاس بالقسطِ»؛ به راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار فرستادیم و با آنها کتاب و میزان نازل نمودیم تا مردم به عدالت و انصاف برخیزند. در مواردی، عدالت به معنای مساوات و برابری به کار رفته است، از جمله: «وَآس بَیْنَهُمْ فِی اللَحْظَهْ وَ النَّظْرَهْ حَتّی لاَیَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِی حَیْفِکَ لَهُمْ وَ لاَیَیْأسَ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِکَ عَلَیْهِمْ»[1]؛ و به یک چشم بنگر به همگان، خواه به گوشهٔ چشم نگری و خواه خیره شوی، تا بزرگان در تو طمع ستم بر ناتوانان نبندند و ناتوانان از عدالتت مأیوس نگردند. در مواردی نیز، عدالت به معنای مراعات حقوق آمده است. البته منشأ حق می‌تواند رابطه‌ای تکوینی و حقیقی بین غایت و ذی غایت یا امری قراردادی باشد که در قالب قانون و سنت هویدا می‌شود. چند نمونه از این موارد را ذکر می‌کنیم:«فَاِذَا اَدَّتِ الرَّعِیَّهُ اِلَی الْوَالِیَ حَقَّهُ وَ اَدَّی الْوَالِی اِلَیْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَیْنَهُمْ وَ قَامَتْ مَنَاهِجُالدِّین وَاعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ العَدْلِ وَجَرَتْ عَلَی اَذْلاَلِهَا السُّنَنُ فَصَلَحَ بِذَلِکَ الزَّمَانُ وَطُمِعَ فِی بَقَاءِ الدَّوْلَهْ وَیَئِسَتْ مَطَامِعُ الاَعْدَاءِ وَ اِذَا غَلَبَتِ الرَّعِیَّهُ والِیهَا وَ اَجْحَفَ الْوَالِیُ بِرَعِیَّتِه اِخْتَلَفَتْ هُنَالِکَ الْکَلِمَهُ وَ ظَهَرَتْ مَعالِمُ الْجَوْرِ وَ کَثُرَ الاِدْغَالُ فِیالدِّینِ وَ تُرِکَتْ مَحَاجُّ السُّنَنِ»[2]؛ پس چون رعیت حق والی را گذارد و والی حق رعیت را به جای آرد، حق میان آنان بزرگ مقدار شود و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برجا و سنت چنانکه باید اجرا. پس کار زمانه آراسته گردد و طمع در پایداری دولت پیوسته و چشم آز دشمنان بسته؛ و اگر رعیت بر والی چیره شود یا والی بر رعیت ستم کند، اختلاف کلمه پدیدار گردد و نشانه‌های جور آشکار و تبهکاری در دین بسیار، راه گشادهٔ سنت را رها کنند.بنابراین، قرآن، عدالت را نه تنها به عنوان معیاری برای خلق زمین و آسمان؛ بلکه هدفی برای بعثت پیامبران می‌داند. از نظر اسلام، انسان‌ها با یکدیگر برابر بوده و مانند دندانه‌های یک شانه هستند. ولی نابرابری واقعیتی غیرقابل انکار است لذا نکتهٔ حائز اهمیت این است که برابری مدنظر اسلام در چه زمینه‌ای است؟ در این رابطه می‌توان گفت در اندیشهٔ اسلامی، برابری مطلق مدنظر نمی‌باشد. در این زمینه، شهید مطهری می‌فرمایند: «برابریِ مطلق در اقتصاد اولاً شدنی نیست؛ ثانیاً ظلم و تجاوز است؛ ثالثاً اجتماع خراب کن است. چرا که در نظام طبیعی خدادادی میان انسان‌ها تفاوت و تمایز وجود دارد. این اختلاف سطح‌ها و تفاوت‌ها است که حرکت‌ها را پدید آورده و مایهٔ جذب انسان‌ها به همدیگر است *(مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۲)*. در این راستا و در چارچوب عدالت اسلامی، یکی از برنامه‌های بسیار مهم جهت کاهش نابرابری‌ها و تخصیص ناعادلانهٔ امکانات و خدمات در سطح کشور و بی‌عدالتی خواندن نحوهٔ تخصیص آنها، برنامه‌های آمایش سرزمین است. در واقع، تمام فعالیت‌های عمرانی و رفاهی بایستی براساس آمایش سرزمین انجام گیرد. اقداماتی نظیر احداث جاده، بیمارستان، کارخانجات و.... همه براساس معیارهای استاندارد، خواهد توانست زمینهٔ هر نوع بی‌عدالتی را ساماندهی کند. چراکه هر اقدام رفاهی بر مبنای آمایش سرزمین، پاسخگوی هر شبهه‌ای در تخصیص منابع خواهد بود. زیرا در صورتی که برنامه‌ریزی‌های اقتصادی مبتنی بر عدالت سرزمینی انجام شود، در شرایط بروز مشکل و یا بحران در یک منطقه، الزامات مدیریت آن به طور جامع و با سهولت در اختیار قرار خواهد گرفت.

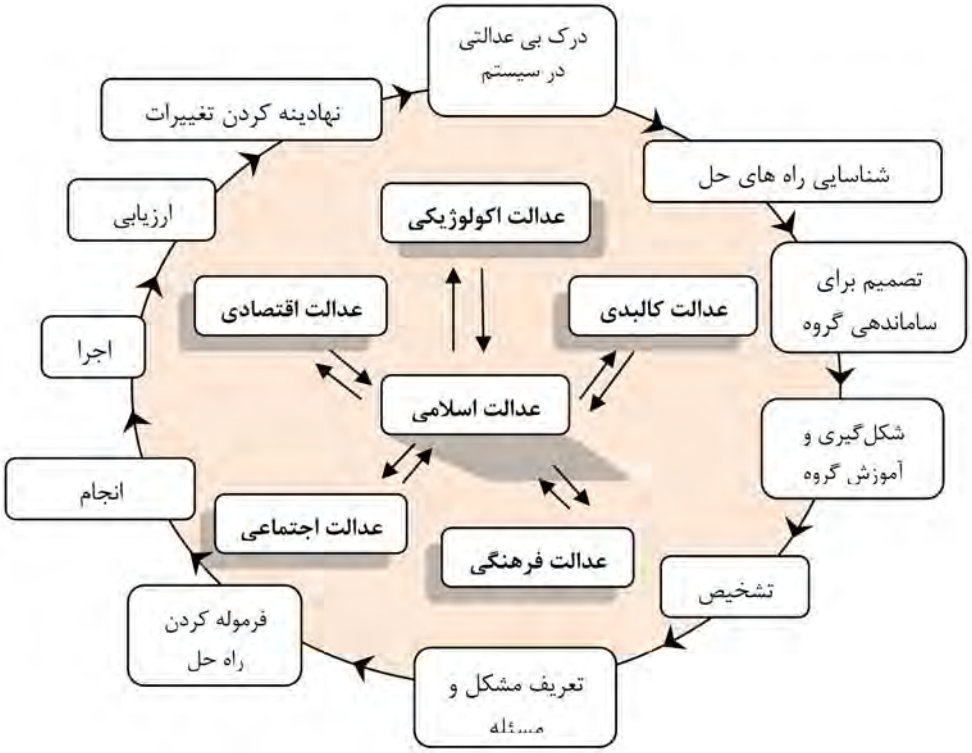
در این راستا، آمایش سرزمینی نشان می‌دهد که سیاستگذار نسبت به حدی از نابرابری فضایی موجود در کشور آگاه بوده است. مقصود از نابرابری فضایی، توزیع نابرابر فرصت‌ها و مواضع اجتماعی در فضاست. نابرابری فضایی یا نابرابری منطقه‌ای در هر جامعه‌ای می‌تواند جلوه‌های مختلفی بیابد. اشکال قابل رؤیت آن در کشورهای در حال توسعه عبارت است از نابرابری بین شهر و روستا، نابرابری بین شهرهای

۱- از نامه بیست و هفتم نهج البلاغه

۲- از خطبه دویست و شانزدهم نهج البلاغه

www.SID.ir

Archive of SID



نمودار ۱: فرآیند هم‌پیوندی عدالت اسلامی با مؤلفه‌ها جهت رفع نابرابری‌های منطقه‌ای

بزرگ و کوچک، نابرابری جغرافیایی درون شهرهای بزرگ (به اصطلاح شمال و جنوب)، نابرابری بین مناطق محروم و برخوردار و مانند آن. به همین دلیل سیاست‌های کلی برنامهٔ چهارم، تأکید دارد که آمایش سرزمینی در جمهوری اسلامی می‌بایست به «رفع محرومیت‌ها مخصوصاً در مناطق روستایی کشور» بینجامد. به بیان دیگر عدم تعادل میان روستا و شهر از جمله چهره‌های نمایان نابرابری و بی‌عدالتی در ایران است» *(پورسعید، ۱۳۸٤: ۳٤٥)*. با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان چنین گفت که هر یک از مؤلفه‌های عدالت اکولوژیکی، اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی در چارچوب عدالت اسلامی قرار دارند و با آن یک رابطهٔ متقابل و هم پیوندی را برقرار می‌کنند. به گونه‌ای که هرگاه هر کدام از مؤلفه‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اکولوژیکی باعث ایجاد نابرابری‌های منطقه‌ای گردند، بکارگیری اصول عدالت اسلامی می‌تواند زمینه‌ساز حل نابرابری‌های منطقه‌ای شود *(نمودار ۱)*.

مواد و روش

با توجه به ماهیت موضوع و مؤلفه‌های مورد بررسی، رویکرد حاکم در این پژوهش توصیفی ـ تحلیلی است که در آن به پیمایش نظرهای کارشناسان، متخصصین و مشاورین طرح‌های مطالعاتی آمایش سرزمین در رابطه با استخراج و اولویت سنجی شاخص‌های عدالت بر مبنای الگوی اسلامی ایرانی در تحقق آمایش و توسعهٔ متعادل ایران پرداخته شده است. ابزار گردآوری اطلاعات، مطالعهٔ اسناد و مدارک و داده‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن در شاخص‌های مختلف می‌باشد.

حجم نمونه ٦٤ نفر از کارشناسان و متخصصان می‌باشند که بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی انجام شده است. هدف اصلی این پژوهش اولویت سنجی شاخص‌های عدالت اسلامی ایرانی در تحقق آمایش سرزمین و توسعهٔ متعادل در ایران است که برای دستیابی به این هدف، شاخص‌های تأثیرگذار مورد بررسی قرار می‌گیرند.

www.SID.ir

Archive of SID

شاخص‌های بررسی عدالت اسلامی ایرانی، ۳۵ شاخص عدالت اکولوژیکی، کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی است (جدول ۱).

برای بررسی میزان تأثیرگذاری هر یک از شاخص‌های عدالت اسلامی ایرانی در تحقق‌پذیری و عدم تحقق‌پذیری آمایش و توسعهٔ متعادل ایران از مدل تحلیل شبکهٔ (ANP) و لیزرل استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

بدون شک برنامه‌ریزی آمایشی توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... کشور بدون شناخت ویژگی‌های مناطق مختلف کشور و امکانات و محدودیت‌های آنها ممکن نیست. هرگونه کم توجهی به توزیع فضایی منابع و امکانات از یکسو و کمبودها و نیازها از سوی دیگر (در چارچوب الزامات برنامه‌ریزی توسعهٔ منطقه‌ای) و تلفیق آن

جدول ۱: ابعاد و شاخص‌های عدالت اسلامی ایرانی در تحقق آمایش سرزمین

ردیف	ابعاد	شاخص ها
۱	**عدالت اکولوژیکی**	۱. تعادل‌بخشی به تراکم جمعیتی ۲. دسترسی برابر در استفاده از منابع طبیعی ۳. ایجاد فرصت برابر برای تمامی مناطق در بهره‌برداری از معادن ٤. نسبت عمران و احیای منابع طبیعی به روند تخریب و نابودی آنها ۵. توزیع عادلانه میزان سرانه‌های قابل کشت بر اساس کمبود آب در مناطق ٦. میزان تأثیرات سرمایه‌گذاری و ظرفیت‌های ایجاد شده در یک منطقه و اثرات آن بر مناطق دیگر ۷. توجه به مناطق خاص و فراهم آوردن امکانات و تسهیلات برای آنها بدون توجه به استعدادها و ظرفیت‌های مناطق دیگر
۲	**عدالت کالبدی**	۱.دسترسی برابر به امکانات جاده‌ای ۲.توزیع بهینه و برابر امکانات در سکونتگاه‌های شهری و روستایی ۳. سرانهٔ مطلوب کاربری‌های شهری متناسب با میزان تراکم جمعیت ٤. استفادهٔ برابر همهٔ ساکنین مناطق و سکونتگاه‌ها از فضاهای شهری ۵. تأمین مسکن برای تمام اقشار جامعه ٦. توزیع عادلانهٔ زیرساخت‌ها و تأسیسات و تجهیزات در مناطق مختلف کشور ۷. سرمایه‌گذاری و تأمین امکانات برابر جهت نوسازی بافت‌های فرسوده در مناطق کشور
۳	**عدالت اقتصادی**	۱. دسترسی به فرصت‌های برابر در استفاده از امکانات و منابع (مساوات) ۲. دسترسی برابر به اطلاعات اقتصادی ۳. دسترسی برابر به مناصب و موقعیت‌های اقتصادی ٤. امکان فرصت‌های برابر در فعالیت‌های اقتصادی ۵. توزیع عادلانهٔ ثروت و درآمد ٦. سهم‌بری برابر براساس میزان مشارکت در تولید (عدل طبیعی) ۷. میزان کار مناسب برای همهٔ افراد و برابری آنها در داشتن شرایط مساعد کاری ۸. رعایت اعتدال در مصرف (کارآیی تخصصی و توازن درآمدها) ۹. میزان مصرف کالاهای منتخب خوراکی و غیر خوراکی در دهک‌های مختلف ۱۰. بهره‌وری عوامل مؤثر در تولید
٤	**عدالت اجتماعی**	۱. فرصت‌های برابر برای فعالیت‌های اجتماعی ۲. دسترسی برابر به فرصت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی ۳. حاکمیت قانون برای همه ٤. دسترسی برابر به امکانات بهداشتی و درمانی، رفاهی، تفریحی ۵. میزان برخورداری عادلانهٔ همهٔ افراد جامعه از امنیت در مقابل تهدیدات فیزیکی و روحی و روانی
۵	**عدالت فرهنگی**	۱. توزیع عادلانه و دسترسی برابر به امکانات و خدمات فرهنگی ۲. دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی و تحصیلی ۳. توزیع منطقی و عادلانه بودجهٔ فرهنگی بین مراکز فرهنگی و آموزشی ٤. سرانهٔ مطلوب فضاها و کاربری‌های فرهنگی متناسب با میزان جمعیت هر منطقه ۵. میزان برخورداری عادلانه همهٔ قومیت‌ها از نعمت‌های مادی و معنوی موجود در جامعه ٦. برابری افراد در بهره‌مندی از علم و معرفت مطابق با طبع و ذوق و علاقهٔ آنها

منبع: نگارندگان.

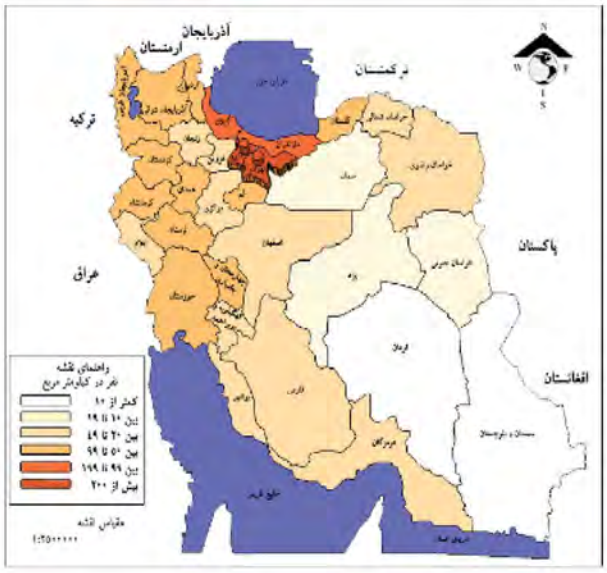
www.SID.ir

Archive of SID

با برنامه‌ریزی بخشی و رشتهٔ فعالیتی منجر به عدم تخصیص بهینهٔ منابع و بهره‌وری بیشینه از آنها، عدم توزیع مناسب امکانات و تثبیت و تقویت تفاوت‌های میان گروه‌ها و مناطق برخوردار و نابرخوردار و عدم تحقق عدالت در منطقه می‌شود *(مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۸: ۱)*.

بررسی عدالت اکولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی در استان‌های کشور

یکی از شاخص‌های مهم جمعیتی که در برنامه‌ریزی‌ها و آمایش سرزمین از آن استفاده می‌شود *(طالش انسان‌دوست، ۱۳۸۵: ٤١)*؛ شاخص تراکم جمعیت می‌باشد که در کنار مؤلفه‌هایی چون دسترسی برابر در استفاده از منابع طبیعی، ایجاد فرصت برابر برای تمامی مناطق در بهره‌برداری از معادن، نسبت عمران و احیای منابع طبیعی به روند تخریب و نابودی آنها، توزیع عادلانهٔ میزان سرانه‌های قابل کشت بر اساس کمبود آب در مناطق، میزان تأثیرات سرمایه‌گذاری و ظرفیت‌های ایجاد شده در یک منطقه و اثرات آن بر مناطق دیگر و توجه به مناطق خاص و فراهم آوردن امکانات و تسهیلات برای آنها بدون توجه به استعدادها و ظرفیت‌های مناطق دیگر به عنوان شاخص‌های سنجش میزان عدالت محیطی در کشور به شمار می‌رود. جمعیت کل کشور در سال ۱۳۹۰، بالغ بر ۷۵۱٤۹٦٦۹ نفر بوده که از این میزان ٦٨/٥ درصد در شهرها و ۳۱/٥ درصد در روستاهای کشور ساکن هستند. بیشترین سهم استانی از جمعیت کشور متعلق به استان تهران با ١٦/٢١ درصد و کمترین آن متعلق به استان ایلام با ۰/۷٤ درصد است *(مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)*. اندازهٔ تراکم نسبی جمعیت در ۱۲ استان (اصفهان، ایلام، بوشهر، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، سمنان، سیستان، فارس، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان، یزد) کمتر از اندازهٔ متوسط متناظر آن در کل کشور بوده و در ۱۸ استان دیگر بیشتر از آن است که به وضوح بیانگر عدم وجود عدالت اکولوژیکی در توازن و تعادل اکولوژیکی در حوزهٔ تراکم جمعیتی می‌باشد.



منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰: ۳۷

نقشهٔ ۱: تراکم جمعیتی در کشور، ۱۳۹۰

در ارتباط با سیار شاخص‌ها بویژه استفاده و بهره‌برداری از منابع طبیعی، در اصول و مبانی اسلامی بارها بر لزوم رعایت عدالت و انصاف تکیه شده است. در واقع، عادلانه نیست که کسانی که امروز در این جهان زندگی می‌کنند از منابع طبیعی و مواهب زیستی که خداوند در زمین قرار داده است، به گونه‌ای استفاده کنند که نسل‌های آتی دچار زیان و نقصان گردند. از دیدگاه اسلام انسان باید به گونه‌ای از منابع بهره‌برداری نماید که نه تنها به حقوق افراد جامعه زیانی وارد نشود؛ بلکه منافع نسل‌های آتی نیز به مخاطره نیفتند. چرا که در غیر این صورت عدالت رعایت نشده است. در آیهٔ ۹۰ سورهٔ نحل: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِيتاءِ ذِي الْقُرْبى وَ يَنْهى عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» خداوند صراحتاً بر عدل تأکید نموده و می فرماید: «همانا خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد...». در این دیدگاه، هیچ فرد یا گروهی اجازه ندارد به گونه‌ای از منابع بهره‌برداری نماید که رفاه دیگران به خطر افتد و آسایش آنان دچار اخلال گردد. بدین ترتیب لازم است که استفاده از منابع تجدیدناپذیر مانند سوخت‌های فسیلی و

www.SID.ir

Archive of SID

منابع معدنی که تشکیل مجدد آنها در کره، نیازمند میلیون‌ها سال زمان است، با دقت و ظرافت بیشتری صورت گیرد. مسلماً در رابطه با منابع تجدیدپذیر نیز استفاده بیش از توان طبیعت در بازتولید منبع به منزلهٔ نابودی منبع و ظلم به نسل‌های فعلی و آتی است.

جدول ۲: مقایسهٔ رد پای اکولوژیک و ظرفیت زیستی در چند کشور جهان

ردیف	منطقه	سرانه ردپای اکولوژیک (هکتار)	سرانهٔ ظرفیت زیستی (هکتار)	میزان ذخیرهٔ اکولوژیک (هکتار)
۱	کل جهان	۷/۲	۱/۲	-۰/٦
۲	آسیای مرکزی و خاورمیانه	۳/۲	۳/۱	-۱
۳	ایران	۷/۲	٤/۱	-۱/۳
٤	افغانستان	۵/۰	۰/۷	۰/۲
۵	ترکیه	۷/۲	۷/۱	-۱
٦	عراق	۳/۱	۰/۳	-۱
۷	کویت	۹/۸	۰/۵	-۸/٤
۸	امارات متحده عربی	۵/۹	۱/۱	-۸/٤
۹	هند	۹/۰	۰/٤	-۰/۵
۱۰	فلسطین اشغالی	۸/٤	۰/٤	-٤/٤
۱۱	ایالات متحده امریکا	٤/۹	۵	٤/٤
۱۲	کانادا	۱/۷	۱/۲۰	+۱۳
۱۳	کنگو	۵/۰	۸/۱۳	۱۳/۳
۱٤	مغولستان	۵/۳	۷/۱٤	۱۱/۲
۱۵	گابون	٤/۱	۱/۲۵	۲۳/۷
۱٦	سومالی	٤/۱	٤/۱	۰

منبع: برقعی، ۱۳۸۸.

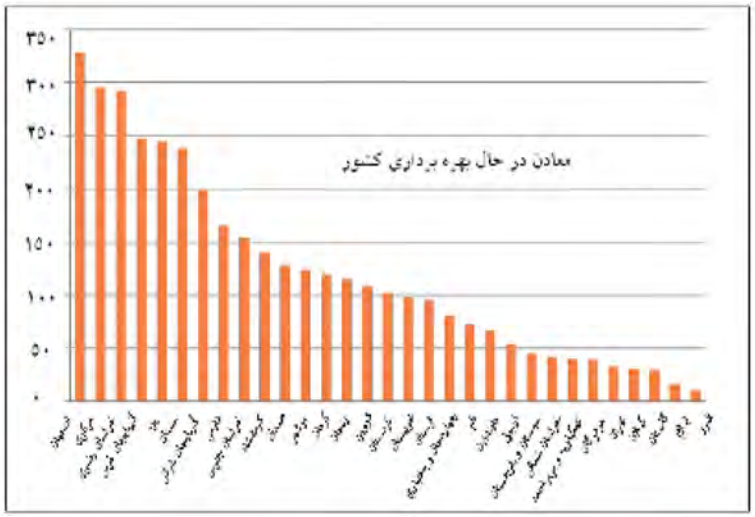
به طور متوسط هر فرد در جهان به ۷/۲ هکتار زمین برای رفع نیازهایش احتیاج دارد. این در حالی است که ظرفیت طبیعی جهان، تنها قادر به تأمین ۱/۲ هکتار زمین برای هر نفر با توجه به جمعیت موجود است. بدین ترتیب در حال حاضر کرهٔ زمین با کمبودی ۳۰ درصدی در این رابطه مواجه است و این کمبود معادل ۰/٦ هکتار برای هر نفر در سطح زمین در نظر گرفته می‌شود. مسلماً با افزایش جمعیت و عدم تغییر الگوی مصرف، این رقم در سال‌های آتی افزایش خواهد یافت و شکاف میان نیاز به منابع طبیعی و ظرفیت طبیعی جهان در تأمین منابع افزایش خواهد یافت.

میزان سرانهٔ رد پای اکولوژیک برای کشور ایران برابر با سرانهٔ جهانی است، اما ظرفیت طبیعی ایران از سرانهٔ جهانی کمتر و تنها معادل ٤/۱ هکتار است. این بدان معنا است که کشور ایران برای تأمین نیاز ساکنانش به طور متوسط با کمبودی معادل ۳/۱ هکتار برای هر نفر روبه رو است، که با توجه به جمعیت آن، رقمی حدود ۹۰ میلیون هکتار زمین خواهد بود. مطالعهٔ موردی تهران به عنوان استانی از کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که این استان نسبت به استان‌های دیگر کشور جاپایی بزرگ در مراحل تحول و توسعهٔ شهری دارد. به طوری که ماتریس مصرف و کاربری اراضی بیانگر این است که استان تهران با جاپای اکولوژیکی معادل ۳/۷۹ هکتار برای هر فرد در واقع ۱/۹۱ هکتار برای هر فرد بار وارده بر محیط پیشتیبانش یعنی کل کشور وارد می‌کند. همچنین در مقایسه با سطح استانی جاپای هر فرد تهرانی ۲/۳۹ هکتار بزرگتر است. این بدین معنی است که هر فرد تهرانی ۲/۵ برابر بیش از سهم خود از توان اکولوژیک و ظرفیت زیستی محیط استفاده کرده است و یک نابرابری در سطح استان‌های کشور به لحاظ اکولوژیکی دیده می‌شود.

نقش معادن و منابع در رشد اقتصادی هر کشوری انکارناپذیر است. بدون تردید بهره‌برداری از معادن کشور، یک عامل کاملاً مثبت و مهم در رشد و توسعهٔ اقتصادی است. در حال حاضر در کشور ۳۷۱۷ معدن در حال بهره‌برداری وجود دارد که از این تعداد در حدود ۷۹۷ معدن مربوط به استخراج سنگ تزئینی می‌باشد. از این تعداد معدن در حدود ۱۹۹۹ معدن یعنی بیش از نیمی از کل معادن کشور، در ۸ استان اصفهان، یزد، فارس، مرکزی، خراسان رضوی، سمنان، آذربایجان شرقی و غربی قرار دارد که

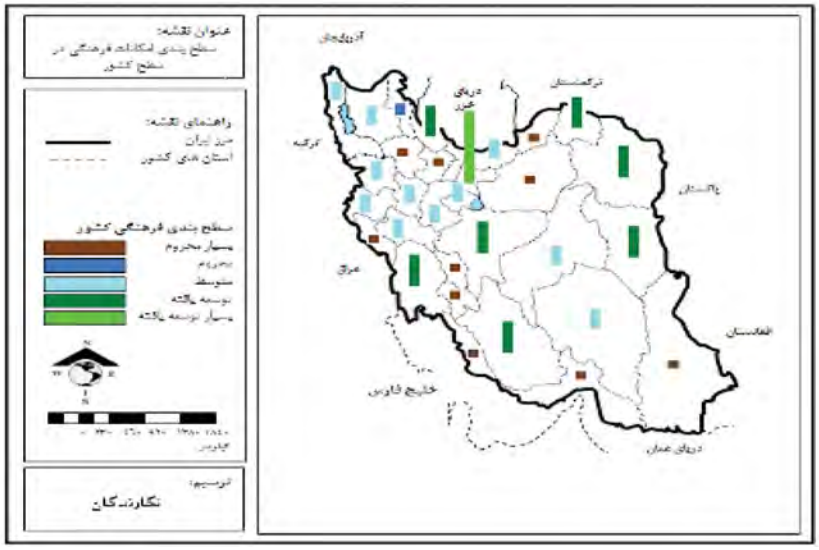
www.SID.ir

Archive of SID



نمودار ۲: تعداد معادن در حال بهره‌برداری کشور در سال ۱۳۹۰

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰



نقشهٔ ۲: سطح بندی استان‌های کشور به لحاظ امکانات فرهنگی، ۱۳۹۰

بیانگر نابرابری و عدم توازن در توزیع عدالت اکولوژیکی در سطح استان‌های کشور می‌باشد *(مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰: ۱۳)*.

عدالت اقتصادی به‌منظور از بین بردن فقر مطلق و ایجاد توازن و تعادل نسبی بین اقشار جامعه برقرار می‌گردد. در جامعه‌ای که عدالت اقتصادی نباشد، رابطهٔ محسوس میان تلاش افراد و میزان درآمد و رفاه وجود نخواهد داشت و گروهی با دسترسی به موقعیت‌های مناسب و بهره‌مندی از امتیازات انحصاری، بخش قابل توجهی از منابع را به خود اختصاص خواهند داد و بدین طریق، فاصلهٔ بین اقشار اجتماعی با شتاب روزافزونی بیشتر خواهد شد؛ اما وقتی عدالت اقتصادی برقرار باشد، عامل عمدهٔ تعیین‌کنندهٔ درآمد و رفاه، تلاش صادقانه و مجدانهٔ افراد خواهد بود و موقعیت‌ها و فرصت‌های یکسان در اختیار همه قرار خواهد گرفت تا افراد برحسب میزان تلاش و پشتکار خود، درآمد و رفاه داشته باشند و تفاوت ناشی از این امر، مسئلهٔ نامقبولی نخواهد بود.

بررسی شاخص‌های توسعهٔ انسانی می‌تواند بیانگر وضعیت برخورداری و دسترسی افراد یک جامعه به امکانات آموزشی، فرهنگی و ... باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد به لحاظ برخورداری از امکانات آموزشی با توجه به رتبهٔ استان‌های کشور در این شاخص (جدول ۳) عدالت اجتماعی و فرهنگی بین آنها به لحاظ میزان سرمایه‌گذاری، تجهیز امکانات و تجهیزات در این زمینه توجه نشده است.

بررسی امکانات فرهنگی در سطح استان‌های کشور

www.SID.ir

Archive of SID

نیز نشان می‌دهد بین استان‌های کشور از نظر بهره‌مندی از فضاها و امکانات فرهنگی تفاوت چشمگیری وجود دارد. در این بین، استان تهران بـه عنوان تنها استان بسیار توسعه‌یافته و استان‌های ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، قزوین، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، هرمزگان به عنوان استان‌های بسیار محروم شناخته شده‌اند. علیرغم اینکه در قالب سیاست‌های برنامه‌های پنج سالهٔ توسعه، تلاش‌های زیادی برای تعدیل عدم تعادل‌های توسعهٔ منطقه‌ای در ایران انجام شده است، اما توزیع نامتوازن امکانات، خدمات و فعالیت‌ها و وجود نابرابری‌ها و شکاف توسعه، هم در بین استان‌ها هم در درون استان‌ها همواره به عنـوان یکی از دلمشـغولی‌های

جدول ۳: شاخص‌های توسعهٔ انسانی در کشور در سال ۱۳۹۰

استان‌ها	امید به زندگی	رتبه	شاخص آموزش	رتبه	شاخص تولید ناخالص داخلی سرانه	رتبه	شاخص توسعهٔ انسانی	رتبه
کشور	۰/۸۱۰	–	۰/۸۱٤	–	۰/٦۲۱	–	۰/۷٤۳	–
آذربایجان شرقی	۰/۷۹۸	۱۱	۰/۷۸۸	۱۸	۰/۵۷۵	۱۵	۰/۷۱۳	۱٤
آذربایجان غربی	۰/۷۷۳	۲۳	۰/۷٤٤	۲۸	۰/۵۱۱	۲۹	۰/٦٦۲	۲۸
اردبیل	۰/۷۸۷	۱۷	۰/۷۷۲	۲۵	۰/۵٤٦	۲٤	۰/٦۹۲	۲۲
اصفهان	۰/۸۲٤	۳	۰/۸٦۰	٤	۰/٦۲٦	٦	۰/۷٦۳	۵
ایلام	۰/۷۲۲	۲۹	۰/۸۱۳	۹	۰/۵۳٤	۲٦	۰/٦۷۹	۲۷
بوشهر	۰/۷۹٦	۱۳	۰/۸۱۱	۱۱	۰/۸۳۱	۱	۰/۷۸۸	۳
تهران	۰/۸۳۳	۱	۰/۸۹۱	۱	۰/۷۲۱	۲	۰/۸۱۲	۱
چهارمحال و بختیاری	۰/۷۸۸	۱۵	۰/۷۸۹	۱۷	۰/۵۵۲	۲۱	۰/۷۰۰	۲۰
خراسان جنوبی	۰/۷۵۸	۲٦	۰/۷۸۰	۲۲	۰/۵۵۱	۲۲	۰/٦۸۸	۲٤
خراسان رضوی	۰/۷۸۸	۱٦	۰/۸۰۱	۱٤	۰/۵۷۰	۱۷	۰/۷۱۱	۱٦
خراسان شمالی	۰/۷۷۷	۲۱	۰/۷۵۰	۲۷	۰/۵٤۸	۲۳	۰/٦۸٤	۲۵
خوزستان	۰/۸۰۵	۱۰	۰/۷۹۱	۱٦	۰/٦۱۲	۹	۰/۷۳۰	۱۲
زنجان	۰/۷۹۲	۱٤	۰/۷۹٦	۱۵	۰/۵۸۰	۱٤	۰/۷۱۵	۱۳
سمنان	۰/۸۲٤	۳	۰/۸۷۳	۲	۰/٦۵٦	۳	۰/۷۷۹	۲
سیستان و بلوچستان	۰/۷۱۸	۳۰	۰/٦۲۰	۳۰	۰/٤۵٤	۳۰	۰/۵۸۷	۳۰
فارس	۰/۸۱۷	۷	۰/۸۳٤	۷	۰/۵۸۷	۱۲	۰/۷۳۷	۹
قزوین	۰/۸۲۱	۵	۰/۸۰٦	۱۳	۰/٦۲٦	۷	۰/۷٤۵	۷
قم	۰/۸۱۹	٦	۰/۸٦٤	۳	۰/۵۵۹	۱۸	۰/۷۲٤	۱۱
کردستان	۰/۷۵۱	۲۷	۰/۷۲۲	۲۹	۰/۷۲۳	۲۸	۰/٦۵۷	۲۹
کرمان	۰/۷۸۱	۲۰	۰/۷۸۵	۲۰	۰/۵۸۹	۱۱	۰/۷۱۲	۱۵
کرمانشاه	۰/۷۷٤	۲۲	۰/۷۸۰	۲۱	۰/۵۷۱	۱٦	۰/۷۰۲	۱۸
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۷٤۹	۲۸	۰/۸۰۹	۱۲	۰/۵۵۸	۱۹	۰/٦۹۷	۲۱
گلستان	۰/۷۸٤	۱۹	۰/۷۷۷	۲۳	۰/۵٤۳	۲۵	۰/٦۹۲	۲۳
گیلان	۰/۸۳۲	۲	۰/۸۱۹	۸	۰/۵۸٤	۱۳	۰/۷۳۵	۱۰
لرستان	۰/۷٦۹	۲٤	۰/۷۷۱	۲٦	۰/۵۲۸	۲۷	۰/٦۷۹	۲٦
مازندران	۰/۸۱۲	۸	۰/۸٤۸	٦	۰/٦۲۵	۸	۰/۷۵۵	٦
مرکزی	۰/۷۹۷	۱۲	۰/۸۱۲	۱۰	۰/٦۳٤	۵	۰/۷٤۳	۸
هرمزگان	۰/۷٦۲	۲۵	۰/۷۷۲	۲٤	۰/۵۹۵	۱۰	۰/۷۰٤	۱۷
همدان	۰/۷۸۷	۱۷	۰/۷۸۷	۱۹	۰/۵۵٦	۲۰	۰/۷۰۱	۱۹
یزد	۰/۸۰۹	۹	۰/۸۵۳	۵	۰/٦۵۲	٤	۰/۷٦٦	٤

منبع: طیفوری و اکبری، ۱۳۹۲: ٤۱

www.SID.ir

Archive of SID

جدول ٤: سطح‌بندی استان‌های کشور در شاخص‌های اقتصادی، کالبدی و زیربنایی، صنعتی و بهداشتی و درمانی

سطح توسعه	درجهٔ توسعه	میزان توسعه	استان‌ها
سطح اول	۰/۳۳ و کمتر	خیلی بالا	تهران، البرز
سطح دوم	۰/۳۳ تا ۰/٦۰	بالا	اصفهان، مازندران، یزد، مرکزی، سمنان
سطح سوم	۰/٦۱ تا ۰/۷۰	متوسط	آذربایجان شرقی، فارس، بوشهر، گیلان، خراسان رضوی، قزوین
سطح چهارم	۰/۷۱ تا ۰/۸۵	پایین	آذربایجان غربی، زنجان، همدان، کرمان، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، هرمزگان، کردستان، لرستان، کرمانشاه، گلستان، ایلام، خوزستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمدف اردبیل
سطح پنجم	بیش از ۰/۸٦	خیلی پایین	سیستان و بلوچستان

منبع: نگارندگان

سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی اقتصادی کشور مطرح بوده است *(عبدالله‌زاده و شریف‌زاده، ۱۳۹۱: ٤۲)*. یافته‌های شاخص‌های اقتصادی در بین استان‌های کشور نشان می‌دهد، استان‌های تهران، اصفهان، مرکزی به عنوان برخوردارترین استان‌ها و استان‌های ایلام، لرستان، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال و بختیاری به عنوان محروم‌ترین استان‌ها شناخته شده‌اند. در تمام استان‌های محروم کشور شاخص‌های نرخ مشارکت اقتصادی، سرانهٔ محصولات تولیدی، سرانهٔ اعتبارات و بودجه‌های استان‌ها برای فعالیت‌های اقتصادی و عمرانی، برخورداری از تأسیسات و تجهیزات زیربنایی در پایین‌ترین میزان خود می‌باشد که بیانگر عدم رعایت عدالت اقتصادی و کالبدی در بین استان‌های کشور است. براساس این آمار، در هیچ یک از استان‌های کشور نرخ مشارکت اقتصادی به ۵۰ درصد نرسیده است. چنانکه بالاترین میزان نرخ مشارکت اقتصادی مربوط به استان اردبیل با حدود ٤۷ درصد است. پایین‌ترین میزان نرخ مشارکت اقتصادی در تابستان امسال نیز متعلق به استان‌های سیستان و بلوچستان با ۳۳/٤ درصد، کهگیلویه و بویراحمد با ۳۳/٦ درصد و لرستان با ۳۷/۲ درصد بوده است *(مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)*. بررسی جایگاه استان‌های کشور از حیث کلیدی‌ترین شاخص‌های اقتصادی نشان می‌دهد استان‌های تهران، اصفهان، خوزستان و خراسان رضوی در شاخص تولید ناخالص داخلی، تهران، خوزستان، بوشهر، اصفهان و کهگیلویه و بویراحمد در شاخص درآمد ناخالص خانوار، استان‌های تهران، اصفهان و فارس در شاخص‌های منابع بانکی، استان‌های خراسان شمالی، ایلام، لرستان، خراسان جنوبی و همدان در شاخص‌های کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در سطوح بالای توسعه قرار دارند و همچنین با سایر استان‌های کشور به لحاظ برخورداری از این شاخص‌ها دارای فاصلهٔ بسیار زیادی می‌باشند که این مسئله از دیدگاه عدالت اقتصادی و اجتماعی در سطح استان‌های کشور باید مدنظر قرار گیرد *(جدول ٤)*.

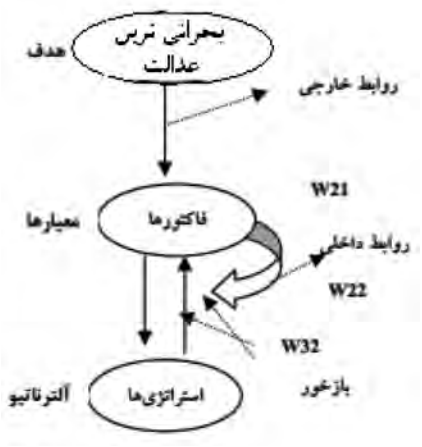
اولویت‌بندی شاخص‌های عدالت اسلامی با استفاده از مدل ANP

هدف این پژوهش، بررسی مؤلفه‌های عدالت اسلامی در چارچوب عدالت اکولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و فرهنگی می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که به لحاظ مؤلفه‌های عدالت اکولوژیکی، عدالت کالبدی، عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی و عدالت فرهنگی در بین استان‌های کشور شکاف عظیمی وجود دارد. در این راستا پژوهش حاضر به بررسی و اولویت‌بندی این شاخص‌ها در راستای ساماندهی میزان نابرابری‌های موجود می‌پردازد تا از این طریق با بهره‌گیری از شاخص‌های اسلامی به تحقق عدالت اسلامی در هر یک از این مؤلفه‌ها کمک کند. می‌توان گفت هدف نهایی از اولویت‌بندی این شاخص‌ها، شناسایی شاخص‌های بحرانی است که در ایجاد نابرابری‌های منطقه‌ای و کم رنگ‌تر شدن عدالت و برابری

www.SID.ir

Archive of SID

در بهره‌وری یکسان و برابر از آن، در بین استان‌های کشور سهم بیشتری دارند. در این رابطه معیارها و شاخص‌های مختلف اکولوژیکی، کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته شده است. به گونه‌ای که با ایجاد ارتباط درون‌گروهی و برون‌گروهی بین عناصر و شاخص‌ها، تأثیرات هر یک از عناصر در ایجاد نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور مشخص می‌شود *(نمودار ۳ و ٤)*.



نمودار ۳: ساختار تحلیل شبکه

مقایسه‌های زوجی و ماتریس مربوط به همهٔ معیارها و خوشه‌ها با استفاده از مقیاس‌های تعیین ارجحیت یا اهمیت در هر قضاوت به وسیلهٔ اعداد ۱تا ۹ مشخص می‌گردد. گفتنی است مقایسهٔ زوجی برای کلیهٔ معیارها و گزینه‌ها انجام می‌شود.

در جدول ۵ نتایج مقایسه‌های زوجی در مدل شبکه‌ای ANP برای شناخت نابرابری‌های منطقه‌ای بر مبنای نارسایی در یکی از مؤلفه‌های عدالت اکولوژیکی، کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمده است. همان گونه که ملاحظه می شود، نرخ ناسازگاری قضاوت انجام شده برابر با ۰/۰٤۲۵۲ است در این روش مقدار ناسازگاری نباید از ۱ بیشتر باشد. این میزان از خطا با درنظرگرفتن تعداد زیاد قضاوت‌ها و خطای ناشی از نظرسنجی پذیرفتنی است (جدول ٦).

مطابق جدول (۲) وزن نسبی خوشه‌ها از طریق مقایسهٔ ماتریس زوجی به دست آمده است. در ماتریس زوجی نمرهٔ aij اهمیت نسبی مؤلفه در سطر i با توجه به ستون j را نشان می‌دهد؛ به عبارتی wi/wj aij= را مشخص می‌کند که نمرهٔ یک نشان‌دهندهٔ اهمیت برابر دو مؤلفه و نمرهٔ ۹ برابر با اهمیت خیلی زیاد i بر مؤلفه j است. سپس مقایسهٔ عناصر داخل هر خوشه شبیه روش AHP انجام می‌گیرد، در گام بعدی وزن نسبی عناصر ماتریس محاسبه و در نهایت عناصر جدول نرمال می‌شوند. با توجه به اینکه برخی عناصر درون خوشه‌ها ممکن است به عناصر سایر خوشه‌ها وابسته باشند، در این صورت با توجه به معیارهای کنترل ماتریس مقایسه زوجی تشکیل شده و عناصر ماتریس دو به دو با هم مقایسه می‌شوند و وزن ماتریس به دست می‌آید و نتیجه وارد سوپرماتریس اولیه می‌شود. سوپر ماتریس حاصل از تلفیق ماتریس‌های مختلف، سوپر ماتریس اولیه است که جمع عناصر هر ستون سوپر ماتریس بیش از

جدول۵: ماتریس مقایسه زوجی و وزن خوشه‌ها

عنوان	عدالت اکولوژیکی	عدالت کالبدی	عدالت اقتصادی	عدالت اجتماعی	عدالت فرهنگی	وزن نسبی	وزن نهایی
عدالت اکولوژیکی	۱	۱/۳۲	۲/۲٦	۱/٦۷	۱/٥٤	۰/۳۸٤	۰/۱۳٤
عدالت کالبدی	۲/۲۸	۱	۳/۷٤	۲/۹۷	۱/۹۳	۰/٦٥۱	۰/۱۹۳
عدالت اقتصادی	۱/۲۱	۳/٥۰	۱	۳/۸۲	۲/٦۸	۰/۷۲۳	۰/۳٤۹
عدالت اجتماعی	۰/۸۷	۳/۹٤	۳/۰۹	۱	۳/۲۷	۰/٦۹٤	۰/۲۸۱
عدالت فرهنگی	۰/٦۹	۲/۹٦	۳/۰٥	۲/۲٤	۱	۰/٥۷۱	۰/۱٦٥

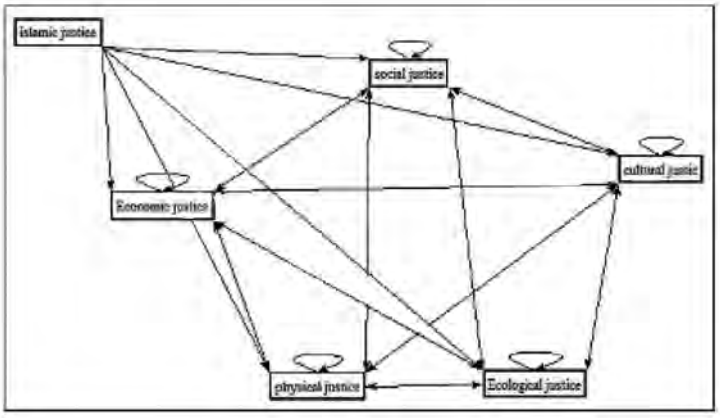
منبع: محاسبات نگارندگان

جدول ٦: نرخ ناسازگاری مدل شبکه ای ANP

شاخص‌ها	عدالت اکولوژیکی	عدالت کالبدی	عدالت اقتصادی	عدالت اجتماعی	عدالت فرهنگی
نرخ ناسازگاری	۰/۰۲۸۱	۰/۰٤۱۰	۰/۰٦۷۳	۰/۰٥۱۲	۰/۰۲٥۰

www.SID.ir

Archive of SID



نمودار ٤: ارتباط درون گروهی و برون گروهی بین عناصر و شاخص ها

یک است. در مرحلهٔ بعد، سوپر ماتریس نرمال می‌شود و سوپر ماتریس حاصله از آن سوپر ماتریس وزنی است. نهایتاً جهت همگرا شدن سوپر ماتریس وزنی، عناصر موجود در معیارها آنقدر به توان می‌رسند تا همگرا شوند. در آخرین مرحله با توجه به وزن خوشه‌ها و سوپرماتریس حد وزن عمومی، وزن نهایی معیارها محاسبه شده است که در این مرحله جدول سوپرماتریس حد وزن عمومی بر حسب برابر بودن اعداد عناصر در سطرها ذکر نگردیده و تنها عدد حاصله در جدول (۷) در قالب وزن نهایی بیان شده است.

جدول ۷: وزن نهایی شاخص‌های مورد مطالعهٔ عدالت اسلامی

شاخص‌های تحقیق	وزن عمومی	وزن خوشه‌ها	وزن نهایی
عدالت اکولوژیکی	۰/۳۲۵	۰/۱۳٤	۰/۰٤۳
عدالت کالبدی	۰/۵٤۷	۰/۱۹۳	۰/۱۰۵
عدالت اقتصادی	۰/۸۰۹	۰/۳٤۹	۰/۲۸۲
عدالت اجتماعی	۰/٦۳۷	۰/۲۸۱	۰/۱۷۸
عدالت فرهنگی	۰/٤٦۱	۰/۱٦۵	۰/۰۷٦

منبع: محاسبات نگارندگان

نتایج حاصل از مدل تحلیل شبکه نشان می‌دهد، شاخص‌های عدالت اقتصادی با مقدار ۰/۲۸۲ بیشترین نقش را در نابرابری‌های منطقه‌ای در بین استان‌های کشور دارد، چرا که در اغلب شاخص‌های مورد مطالعه شکاف عظیمی به لحاظ چگونگی توزیع ثروت و درآمد، گسترش فقر، سرانهٔ درآمد خانوارها وجود دارد که منجر به عدم تحقق عدالت اسلامی در جامعه می‌شود. بنابراین، از آنجایی که تمام ابعاد عدالت، مخصوصاً عدالت اقتصادی، ویژگی بسیار مهم دولت اسلامی است و در کنار تقوا، شاخص جامعهٔ اسلامی به‌شمار می‌رود؛ مفهوم عدالت اقتصادی، مراعات حقوق اقتصادی است و زمینه‌ساز تحقق اهداف عالیه اسلامی می‌باشد. معیار عدالت، اهداف عدالت، تقدم عدالت بر رشد و توسعه و اینکه کارآیی لازمهٔ عدالت است، از محورهای مهم مبحث عدالت اقتصادی است که تنها با بهبود شاخص‌ها و مؤلفه‌های اقتصادی چون توزیع عادلانه ثروت و درآمد، کاهش فقر و ... تحقق می یابد. در نتیجه می توان گفت: در جامعه‌ای که عدالت اقتصادی برقرار نباشد، رابطهٔ محسوس میان تلاش افراد و میزان درآمد و رفاه وجود نخواهد داشت و گروهی با دسترسی به موقعیت‌های مناسب و بهره‌مندی از امتیازات انحصاری، بخش قابل توجهی از منابع را به خود اختصاص خواهند داد و بدین طریق، فاصلهٔ بین اقشار اجتماعی با شتاب روزافزونی بیشتر خواهد شد، به گونه‌ای که این شرایط باعث می‌شود عدالت اجتماعی در جامعه محقق نگردد. در این پژوهش نیز بررسی شاخص‌های مختلف نشان می‌دهد که هرگاه عدالت اقتصادی در جامعه تحقق پیدا نکرده است، عدالت اجتماعی، عدالت کالبدی نیز محقق نشده است. می‌توان گفت: نتایج نهایی مدل ANP نشان می‌دهد شاخص‌های عدالت اقتصادی و اجتماعی به ترتیب با ۰/۲۸۲ و ۰/۱۷۸ ، عوامل بسیار مهمی در افزایش نابرابری‌های منطقه‌ای و عدم تحقق عدالت اسلامی در جامعه است.

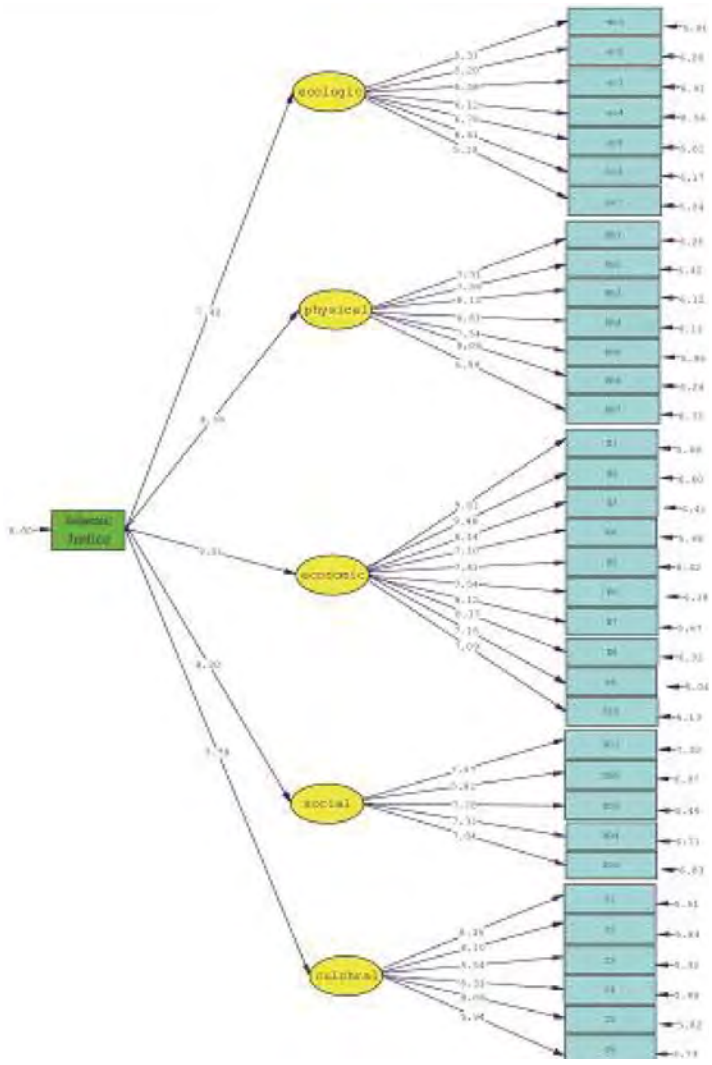
www.SID.ir

Archive of SID

جدول ۸: شاخص‌های برازش برای مدل ساختاری عدالت اسلامی جهت ساماندهی نابرابری‌های منطقه ای

شاخص‌ها	نام شاخص	مدل اصلاح شده	برازش قابل قبول
برازش مطلق	سطح تحت پوشش کای اسکور	۰/۰۸	بزرگتر از ۰/۰۵ درصد
	نیکویی برازش	۰/۹۳	GFI > ۹۰
	نیکویی برازش اصلاح شده	۰/۹۱	AGFI > ۹۰
برازش تطبیقی	برازش نرمال نشده	۰/۹٤	NNFI > ۹۰
	برازش نرمال شده	۰/۹۷	NFI > ۹۰
	برازش تطبیقی	۰/۸۸	GFI > ۹۰
	برازش افزایش	۰/۸٦	IFI > ۹۰
برازش تقلیل‌یافته	شاخص برازش نرمال تقلیل یافته	۰/۸۷	بالاتر از ۵۰ درصد
	ریشهٔ میانگین مربعات خطای برآورد	۰/۰۵۱	RMSEA کمتر از ۱۰ درصد
	کای اسکور نرمال شده به درجهٔ آزادی	۱/۳۱	۱ تا۳

منبع: محاسبات نگارندگان.



نمودار ۵: الگوی تحلیلی همبستگی متغیرها در حالت معناداری

www.SID.ir

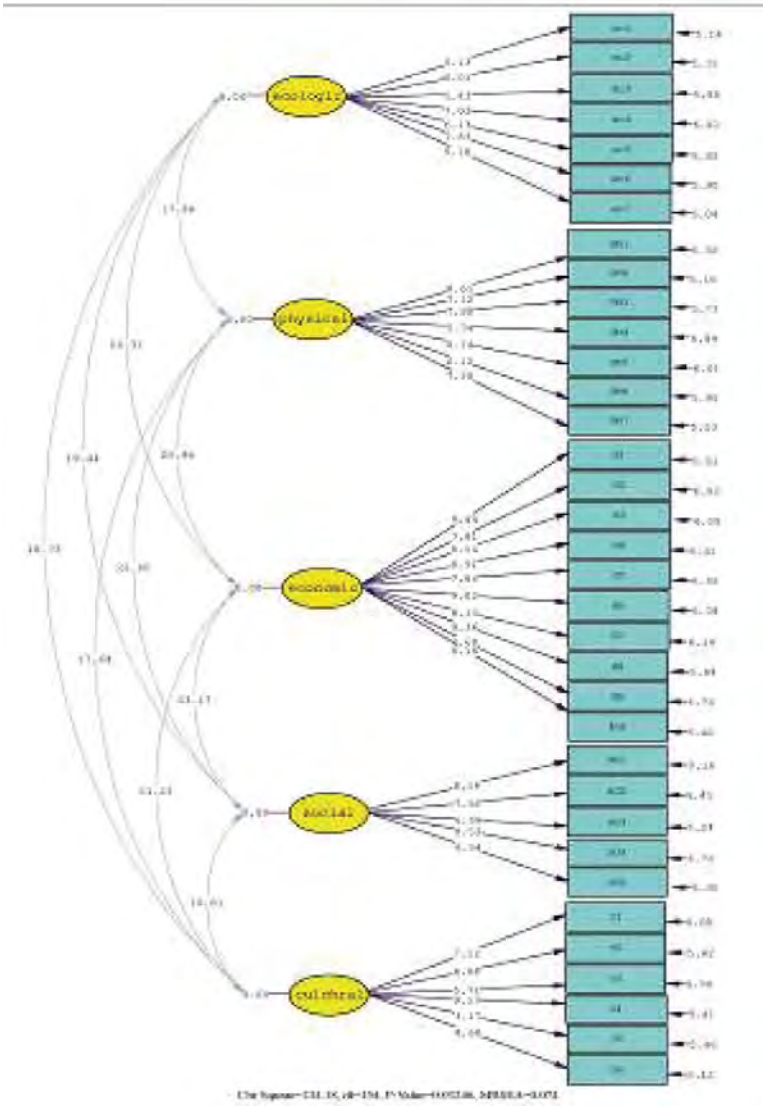
Archive of SID

الگوی عدالت اسلامی در حالت اعداد معنی داری

در این بخش از تحقیق الگوهای عدالت اسلامی (عدالت اکولوژیکی، کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) در حالت معنی داری اجرا شده است.

یافته‌های بیانگر اعداد معنی‌داری مربوط به پارامترهای عدالت اسلامی (اعم از بار عاملی و خطاهای آن) و همبستگی بین پنج متغیر مکنون عدالت اکولوژیکی، عدالت کالبدی، عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی و عدالت فرهنگی معنی‌دار شده است، زیرا اعداد معنی‌داری آنها از ۱/۹۶ بزرگتر است. معیارهای شاخص نیکویی برازش برابر ۰/۸۱ بوده است که چون کمتر از یک بوده است، مدل مربوط از برازش خوبی برخوردار است *(نمودار ۵)*.

یافته‌های تحلیلی مدلسازی معادلات ساختاری نشان می‌دهد مؤلفه‌های عدالت اقتصادی در مناطق مختلف کشور بسیار متفاوت می‌باشد و همواره شهرهای بزرگ که دارای امکانات بیشتری هستند و همچنین به لحاظ سیاسی ـ اداری جزء مراکز استان‌ها محسوب می‌شوند شاخص‌های درآمد سرانه خانوارها، میزان بودجه و اعتبارات دولتی، بهره‌وری عوامل مؤثر در تولید نسبت به سایر نقاط وضعیت بسیار مطلوب‌تری دارند و به همین جهت نابرابری اقتصادی در مناطق کشور بسیار چشمگیر است و منجر به نابرابری‌های اکولوژیکی، اجتماعی، کالبدی می‌شود.



نمودار ٦: الگوی تحلیلی تأثیرگذاری مؤلفه‌های اسلامی در متغیرها در حالت معناداری

www.SID.ir

Archive of SID

بر اساس برآورد ضرایب استانداردشدهٔ مدل ساختاری تحقیق و سطح معناداری (۰/۰۷۹ =) است که بیانگر تأثیرات عوامل اقتصادی بر روی نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور با ضریب مستقیم و مثبت ۰/۸٦ (۹/۵۱) است. می‌توان گفت این نابرابری‌ها ناشی از عدم رعایت تعادل و توازن در کشور است و عدم توازن در منابع، فعالیت‌ها، امکانات، جمعیت، خدمات و یا انباشتگی در برخی نقاط جمعیتی از جمله کلانشهرها قابل مشاهده است و با عدالت اسلامی و توزیع عادلانهٔ خدمات و امکانات در تناقض است و منجر به زیر سؤال رفتن عدالت اجتماعی می‌گردد. در این راستا، همچنین توجه به عدالت اجتماعی در جهت تأمین ضروریات زندگی فرد عادی از جمله تأمین مسکن، آموزش و پرورش کودکان و تأمین بهداشت خانواده نشان می‌دهد که تفاوت بسیار زیادی بین اعلام برنامه‌ها و اجرای آنها وجود دارد.

هرگاه تضادی بین هزینهٔ ارتقای اجتماعی از یک سو و تشویق و ترغیب به اصطلاح میزان رشد اقتصادی از سوی دیگر به وجود آمده است، ترجیح در رابطه با میزان رشد اعمال گردیده و وجوه تخصیص یافته برای عدالت به شدت کاهش یافته است. تنها نظامی که بین هدف عدالت اجتماعی و توسعهٔ اقتصادی توازن برقرار می‌نماید، نظام اسلامی است.

تاریخ اقتصادی بسیاری از کشورهای سرمایه‌داری نشان می‌دهد که همواره بین گروه‌های کارگری در تمامی کشورها کشمکش و ناسازگاری وجود داشته است و فرد عادی تحت سیطره این نظام در سال‌ها قبل، پس از یک مبارزه تلخ طولانی، توانسته است ثمره‌ای از توسعهٔ اقتصادی را به دست آورد، در حالی که در دین اسلام رعایت حقوق تمامی افراد اعم از فقیر و غنی در نظر گرفته شده است.

تمام طبقات و اقشار جامعه و کارکرد و نقش آنها در جامعه هرچند کوچک مهم و با ارزش است با چنین رویکردی، در زمینهٔ عدالت اقتصادی (توزیع عادلانه درآمد و ثروت در جامعه و ..)، عدالت اجتماعی، اکولوژیکی، کالبدی و فرهنگی باید دید اسلامی جهت کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای مدنظر قرار گیرد.

در ادامه با به دست آوردن مدل اندازه‌گیری با استفاده از ضرایب γ و β و استفاده از آزمون T به منظور شناخت هرچه بهتر روابط علّی و نحوهٔ تأثیرگذاری عدالت اسلامی در ساماندهی شاخص‌ها و مؤلفه‌های اکولوژیکی، کالبدی، اقتصادی، فرهنگی از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده گردید.

نمودار (٦) نتایج و یافته‌های حاصل از تحلیل در مدل ساختاری مربوط به فرضیه‌های پژوهش را نشان می‌دهند که بیانگر تعدیل نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور با بکارگیری مؤلفه‌های اسلامی در هر یک از شاخص‌های عدالت اکولوژیکی، کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد.

نتیجه‌گیری و ارائهٔ راهبردها

جهان امروز جهانی است که نابرابری در سراسر آن قابل مشاهده است. هرچند تلاش عمومی برنامه‌ریزی‌های اجتماعی چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی در پی کاهش این نابرابری‌ها است، اما حرکت تاریخی توسعه، به رغم افزایش ثروت، همواره به سوی گسترش نابرابری‌ها بوده است. این نابرابری در تبلور خارجی خود، تمرکز را در اشکال گوناگون نشان می‌دهد. این اشکال گوناگون نابرابری‌ها در هر یک از مؤلفه‌های اکولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و فرهنگی به چشم می‌خورد به گونه‌ای که مناطق کشور در هیچ کدام از این مؤلفه‌ها از برابری و توزیع عادلانهٔ امکانات و خدمات برخوردار نمی‌باشند و تأثیرات هر کدام از این مؤلفه‌ها در ایجاد نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور بسیار آشکار است.

بر این اساس به طور مثال، عدالت اقتصادی در عرصه‌های تولید، توزیع، مصرف، و فرصت‌ها و خدمات دولت ظهور پیدا می‌کند. معیار عدالت در توزیع فرصت‌ها برابری و مساوات و در توزیع کارکردی، استحقاقی سهمی است که با تراضی به دست می‌آید. معیار عدالت در رعایت حقوق نیازمندان، استحقاقی ـ حدّ کفافی است؛ بدین معنا که حدّ کفاف زندگی برای نیازمندان باید تأمین شود. معیار

www.SID.ir

Archive of SID

عدالت در پرداخت حقوق مالی بستگان (نفقات واجب) استحقاقی اعتدالی است؛ بدین معنا که امکانات زندگی در حدّ شئون عرفی آنها باید تأمین شود. معیار عدالت در تولید و سرمایه‌گذاری کارایی، بهره‌وری، و عدم اسراف در بهره‌گیری از عوامل تولید است. به ترتیب، برای کاربردهای فوق، شاخص‌های: برابری، قیمت بازاری، حدکفاف، اعتدال عرفی، بهره‌وری و اسراف برای سنجش شاخص ترکیبی عدالت پیشنهاد می‌شود که همهٔ این موارد در چارچوب عدالت اسلامی و تحقق آمایش سرزمینی و توزیع عادلانه خدمات و امکانات می‌باشد.

بر این اساس، هدف از این پژوهش، اولویت‌سنجی شاخص‌های عدالت اسلامی ایرانی در تحقق آمایش سرزمین و توسعهٔ متعادل در ایران است. بررسی عدالت اکولوژیکی بر اساس شاخص تراکم جمعیت نشان می‌دهد، اندازهٔ تراکم نسبی جمعیت در ۱۲ استان کمتر از اندازهٔ متوسط متناظر آن در کل کشور بوده و در ۱۸ استان دیگر بیشتر از آن است که به وضوح بیانگر عدم وجود عدالت اکولوژیکی در توازن و تعادل اکولوژیکی در حوزهٔ تراکم جمعیتی می‌باشد. همچنین میزان سرانهٔ ردپای اکولوژیک برای کشور ایران برابر با سرانهٔ جهانی است، اما ظرفیت طبیعی ایران از سرانهٔ جهانی کمتر و تنها معادل ٤/١ هکتار است.

این بدان معنا است که کشور ایران برای تأمین نیاز ساکنانش به طور متوسط با کمبودی معادل ۳/۱ هکتار برای هر نفر روبه رو است و این عامل خود زمینه‌ساز نابرابری و عدم رعایت عدالت اکولوژیکی در مناطق کشور می‌باشد. همچنانکه این رویکرد در نحوهٔ بهره‌گیری از منابع کشور به صورت ناعادلانه کاملاً صادق است.

از آنجایی که نقش معادن و منابع در رشد اقتصادی هر کشوری انکارناپذیر است و در حال حاضر در کشور ۳۷۱۷ معدن در حال بهره‌برداری وجود دارد که از این تعداد در حدود ۷۹۷ معدن مربوط به استخراج سنگ تزئینی می‌باشد. اما از این تعداد معدن در حدود ۱۹۹۹ معدن یعنی بیش از نیمی از کل معادن کشور، در ۸ استان اصفهان، یزد، فارس، مرکزی، خراسان رضوی، سمنان، آذربایجان شرقی و غربی قرار دارد و مابقی استان‌ها سهم ناچیزی در این زمینه دارند. همچنین به لحاظ برخورداری از امکانات آموزشی با توجه به رتبه استان‌های کشور در این شاخص، عدالت اجتماعی و فرهنگی بین آنها به لحاظ میزان سرمایه‌گذاری، تجهیز امکانات و تجهیزات در این زمینه توجه نشده است.

بررسی امکانات فرهنگی در سطح استان‌های کشور نیز نشان می‌دهد بین استان‌های کشور از نظر بهره‌مندی از فضاها و امکانات فرهنگی تفاوت چشمگیری وجود دارد. در این بین، استان تهران به عنوان تنها استان بسیار توسعه‌یافته و استان‌های ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، قزوین، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، هرمزگان به عنوان استان‌های بسیار محروم شناخته شده‌اند. همچنین بالاترین میزان نرخ مشارکت اقتصادی مربوط به استان اردبیل با حدود ٤٧ درصد است.

پایین‌ترین میزان نرخ مشارکت اقتصادی در تابستان امسال نیز متعلق به استان‌های سیستان و بلوچستان با ۳۳/٤ درصد، کهگیلویه و بویراحمد با ۳۳/٦ درصد و لرستان با ۳۷/۲ درصد بوده است.

در مجموع می‌توان گفت بین مناطق کشور به لحاظ مؤلفه‌های اکولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و فرهنگی نابرابری و شکاف گسترده‌ای وجود دارد.

در این ارتباط نتایج حاصل از مدل تحلیل شبکه نشان می‌دهد، شاخص‌های عدالت اقتصادی با مقدار ۰/۲۸۲ بیشترین نقش را در نابرابری‌های منطقه‌ای در بین استان‌های کشور دارد چرا که در اغلب شاخص‌های مورد مطالعه شکاف عظیمی به لحاظ چگونگی توزیع ثروت و درآمد، گسترش فقر، سرانهٔ درآمد خانوارها وجود دارد که منجر به عدم تحقق عدالت اسلامی در جامعه می‌شود.

بنابراین، بر اساس نتایج نهایی مدل ANP شاخص‌های عدالت اقتصادی و اجتماعی به ترتیب با وزن‌های ۰/۲۸۲ و ۰/۱۷۸، عوامل بسیار مهمی در افزایش نابرابری‌های منطقه‌ای و عدم تحقق عدالت اسلامی در جامعه است.

www.SID.ir

Archive of SID

همچنین یافته‌های تحلیلی مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان می‌دهد مؤلفه‌های عدالت اقتصادی در مناطق مختلف کشور بسیار متفاوت می‌باشد و همواره شهرهای بزرگ که دارای امکانات بیشتری هستند و همچنین به لحاظ سیاسی ـ اداری جزء مراکز استان‌ها محسوب می‌شوند شاخص‌های درآمد سرانهٔ خانوارها، میزان بودجه و اعتبارات دولتی، بهره‌وری عوامل مؤثر در تولید نسبت به سایر نقاط وضعیت بسیار مطلوب‌تری دارند و به همین جهت نابرابری اقتصادی در مناطق کشور بسیار چشمگیر است و منجر به نابرابری‌های اکولوژیکی، اجتماعی، کالبدی می‌شود. آنجا که دولت اسلامی وسیله‌ای برای هدایت جامعه به سوی کمال نهایی است، لازم است در تنظیم ترتیبات و سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی جامعه، رعایت مصالح واقعی مترتب بر این دخالت‌ها را مورد توجه قرار دهد. در این راستا پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

– تدوین برنامه‌های آمایش سرزمینی با معیارها و اصول عدالت اسلامی جهت تحقق برابری و عدالت سرزمینی و از بین بردن نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور؛

– سرمایه گذاری برابر بر روی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در مناطق کشور و همچنین توجه به اصل توسعهٔ پایدار در جهت نحوهٔ بهره‌برداری از معادن و ظرفیت‌های منابع طبیعی و معدنی موجود در آنها به گونه‌ای که منابع جهت نسل‌های آینده نیز باقی بماند؛

– توجه به برقراری عدالت اقتصادی که زمینه‌ساز تحقق پذیری عدالت اجتماعی، کالبدی و اکولوژیکی نیز می‌باشد. در این راستا توجه بر جایگزینی رقابت سالم به جای رقابت کامل در بازار اقتصادی، تقویت‌ساز و کارهای مشارکت و تقویت اقتصاد بدون سود بسیار کارگشا می‌باشد و منجر به تحقق عدالت اقتصادی می‌گردد.

– رعایت اصول آمایش سرزمین از جمله گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای، افزایش کارآیی و بازدهی اقتصادی، حفاظت محیط زیست، صیانت از منابع طبیعی در تمام برنامه‌ها و سیاست‌های تعدیل نابرابری‌های منطقه‌ای.

منابع ومآخذ

۱. ابراهیم‌زاده، موسوی و کاظمی‌زاد؛ عیسی، میرنجف، شمس‌الله (۱۳۹۱) تحلیل فضایی نابرابری‌های منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مرکزی ایران، فصلنامهٔ ژئوپلتیک، سال هشتم، شمارهٔ اول.

۲. باقری، علی (۱۳۸۸) معیارهای توزیع درآمد و عدالت، فصلنامه نامه مفید، شماره ۱۳.

۳. برقعی، نغمه (۱۳۸۸)، اخلاق و الگوی مصرف منابع طبیعی از دیدگاه اسلام و تأثیر آن برمحیط زیست، اولین همایش ارزش‌ها و اخلاق زیست محیطی در اسلام، سازمان حفاظت محیط زیست، تهران.

٤. پایلی یزدی، محمد حسین (۱۳۸۳)، عدالت اجتماعی وتوسعه وکاربرد فلسفه وایدئولوژی در آمایش سرزمین، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، مشهد، شماره۷٤.

۵. پورسعید، فرزاد (۱۳۸٤)، فراگیری و پایداری؛ اصول راهنمای تحقق عدالت اجتماعی در ایران ۱٤۰٤، فصلنامهٔ مطالعات راهبردی، سال نهم، شمارهٔ دوم.

٦. پورمحمدی و زالی؛ محمدرضا و نادر (۱۳۸۸)، تحلیلی بر نابرابری‌های منطقه‌ای و آینده‌نگاری توسعه (مطالعهٔ موردی: استان آذربایجان شرقی)، مجلهٔ جغرافیا و برنامه‌ریزی، سال ۱۵، شماره ۳۲.

۷. توکلی‌نیا و شالی؛ جمیله، محمد (۱۳۹۱)، نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران، فصلنامهٔ آمایش محیط، شماره ۱۸.

۸. جمالی، قنبری و پور محمدی؛ فیروز، ابوالفضل و محمدرضا (۱۳۸۷)، نگرشی بر مفهوم نابرابری و مفاهیم مرتبط با آن در مطالعات اجتماعی و اقتصادی، فصلنامهٔ مدرس، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دورهٔ چهاردهم، شماره۲.

۹. حکمت‌نیا و موسوی؛ حسن و میرنجف (۱۳۸۳)، بررسی و تحلیل روند تغییرات سطوح توسعه و نابرابری‌های ناحیه‌ای در استان یزد طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۵۵، مجلهٔ جغرافیا و توسعه، دورهٔ دوم، شماره ٤.

۱۰.خواجویی، محسن (۱۳۸۹)، رفاه اجتماعی و نابرابری‌های جغرافیایی در سایهٔ عدالت، بخش مطالعات اجتماعی،

www.SID.ir

Archive of SID

روزنامهٔ مردم سالاری.
۱۱.رضایی، محمدحسین(۱۳۹۱)، مطالعه عدالت اجتماعی در برنامه‌های توسعه از نگاهی نو، دوفصلنامه علمی وپژوهشی عدالت اسلامی، سال بیستم، شماره۲.
۱۲.ضرابی و موسوی؛ اصغر و میرنجف (۱۳۸۹)، تحلیل فضایی پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در نواحی شهری یزد، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۹۷.
۱۳.طالش انسان‌دوست، فرشته (۱۳۸۵)، بررسی تراکم جمعیت در استان گیلان طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳٤٥، استانداری گیلان، معاونت برنامه‌ریزی و اشتغال، دفتر امار و اطلاعات.
۱٤.عبدالله‌زاده و شریف‌زاده؛ غلامحسین و ابوالقاسم (۱۳۹۱)، سطح‌بندی توسعهٔ منطقه‌ای در ایران (کاربرد رهیافت شاخص ترکیبی)، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۱۳
۱۵.لطفی، منوچهری میاندوآب و آهار؛ صدیقه، ایوب و حسن (۱۳۹۲)، شهر و عدالت اجتماعی: تحلیلی بر نابرابری‌های محله‌ای (مورد مطالعه: محلات مراغه)، فصلنامهٔ تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۸، شمارهٔ ۲. و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۰
۱٦.مرتضوی کاخکی، حقیقی و مهدوی عادلی؛ مرتضی، ایمان و محمدحسین (۱۳۹۳)، مجلهٔ اقتصاد و توسعهٔ منطقه‌ای سال بیستم، دورهٔ جدید، شمارهٔ ۵.
۱۷.مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
۱۸.مرکز تحقیقات استراتژیک (۱۳۸۸)، بررسی تأثیر یارانه‌ها و هدفمندسازی آن بر رفاه و عدالت اجتماعی، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، گروه پژوهشی عدالت و رفاه اقتصادی.
۱۹.مظلوم خراسانی، عظیمی هاشمی؛ محمد و مژگان (۱۳۹۰)، توسعه و نابرابری‌های اجتماعی در هند، فصلنامهٔ مطالعات جهان، دورهٔ اول، شمارهٔ ۲.
۲۰.موسوی، میرنجف (۱۳۹۱)، شکل پایدار شهر و عدالت اجتماعی (مطالعهٔ موردی شهر میاندوآب)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شمارهٔ ۸۰.
۲۱.هوشمند، عصفوری و ملکی؛ محمود، مهدی و مریم (۱۳۸۹)، ابزارهای اقتصادی تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی با تأکید بر اندیشه‌های امام علی (ع)، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکدهٔ علوم اداری و اقتصادی.

www.SID.ir